

کاشمش

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است
یکشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۴۹ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان

۳



نوغانداری فرصتی سرمایه‌گذاری و اشتغال
برای زنان روستایی



۴



بازخوانی دو قرن سکوت پس از
هفتاد و هفت سال



۸



تعاون کلید عبور از خام‌فروشی
و بیکاری



نسیم شمال

مرغوبترین برنج

و خشکبار ایران

☎ تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸ ☎

یادداشت اول

گرگان

وطن زیسته من

■ فاطمه سروانی

۲۰ شهریور روز گرگان، برای من فرصتی است برای دوباره فکر کردن به معنای یک شهر، به نسبت انسان با زادگاهش و به مسئولیتی که در برابر سرزمینی دارد که در آن زندگی کرده است. من از یکی از اقوام ریشه‌دار ایران‌زمین، سیستانی، هستم؛ اما پدر و مادرم در گرگان به دنیا آمده‌اند و من نیز در همین جغرافیا بزرگ شده‌ام. به همین دلیل، گرگان برای من صرفاً محل سکونت نیست؛ بخشی از هویت و خاطره من است. وطن، فقط جایی نیست که ریشه خانوادگی ما به آن باز می‌گردد. وطن می‌تواند جایی باشد که نخستین خاطره‌هایمان در آن شکل گرفته، در کوچ‌هایش کودکی کرده‌ایم، در مدرسه‌هایش درس خوانده‌ایم، آدم‌هایش را شناخته‌ایم و بخشی از عمرمان را در آن ساخته‌ایم. شاید ریشه انسان در یک نقطه باشد، اما زندگی می‌تواند او را به نقطه دیگری از همین سرزمین پیوند بزند. از این منظر، روز گرگان برای من معنایی فراتر از یک عنوان مناسبتی دارد. این روز فرصتی است برای حرف زدن از شهری که ارزشش فقط به تاریخ و طبیعتش خلاصه نمی‌شود. گرگان شهری چندلایه است؛ بافت تاریخی، خانه‌های قدیمی، بازار، محله‌های دیرپا، فرهنگ بومی و حضور مردمانی با پیشینه‌های متفاوت، در طول زمان چهره امروز آن را ساخته‌اند. شاید یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های گرگان همین چندصدایی و چندلایه بودن آن باشد. نمی‌توان این شهر را با یک تبار، یک گویش یا یک روایت توضیح داد. مردمانی با ریشه‌های گوناگون در اینجا زندگی کرده‌اند، خانواده ساخته‌اند، کار کرده‌اند و خاطره مشترک پدید آورده‌اند. بنابراین سیستمی بودن و گرگانی زیستن نه تنها تناقضی با یکدیگر ندارند، بلکه می‌توانند دو بخش از یک هویت باشند؛ هویی که در جغرافیای متنوع ایران شکل گرفته است. اما اگر قرار است روز گرگان معنایی فراتر از تبریک و بزرگداشت داشته باشد، باید بتوانیم در کنار دوست داشتن شهر، درباره مشکلاتش نیز صریح باشیم.

ادامه در صفحه ۲



ضرورت بازنگری در حکمرانی سرزمین در عصر تغییرات اقلیمی

اقلیم جدید، حکمرانی جدید

و توزیع بارش، افزایش همزمانی یا توالی مخاطرات، تغییر شرایط پایه برای برنامه‌ریزی و افزایش اهمیت آسیب‌پذیری سکونت گاه ها و زیرساخت های توسعه. گزارش‌های اخیر سازمان جهانی هواشناسی نیز نشان می‌دهد آسیا در دهه‌های اخیر با سرعتی بسیار بالا در حال گرم شدن است و هم‌زمان با آن، منطقه با مجموعه‌ای از مخاطرات شامل گرمای شدید، بارش‌های سنگین، سیل و دوره‌های خشکی مواجه است.

ادامه در صفحه ۲

بیشتر و شکل‌گیری بارش‌های شدیدتر وجود دارد. در کنار آن، الگوی زمانی و مکانی بارش نیز می‌تواند تغییر کند؛ یعنی ممکن است دوره‌های خشک طولانی‌تر با بارش‌های کوتاه‌مدت و شدید در یک سال یا حتی در فاصله زمانی کوتاهی همراه شوند. به همین دلیل، تغییر اقلیم را نباید فقط با میانگین دما یا مجموع بارش سالانه سنجید؛ آنچه برای مدیریت سرزمین اهمیت دارد، تغییر در زمان، شدت، توزیع و احتمال رخداد‌های حدی است. اقلیم جدید یعنی افزایش عدم قطعیت، تغییر احتمال رخداد‌های حدی، تغییر زمان

بر اساس آن سرزمین را برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنیم، دگرگون ساخته است. شواهد علمی نشان می‌دهد افزایش دمای متوسط زمین فقط به معنای گرم‌تر شدن هوا نیست؛ بلکه چرخه آب و رفتار سامانه‌های بارشی نیز در حال تغییر است. هوای گرم‌تر ظرفیت بیشتری برای نگهداری بخار آب دارد و به‌طور تقریبی، به ازای هر یک درجه افزایش دما، ظرفیت نگهداری بخار آب در جو حدود ۷ درصد افزایش می‌یابد. در نتیجه، هنگامی که شرایط مناسب برای بارش فراهم شود، امکان آزاد شدن رطوبت

دکتر علی نجفی نژاد-بارش‌های شدید و آبگرفتگی‌های اخیر در استان‌های شمالی کشور، بار دیگر مسئله سیل و آمادگی در برابر رخداد‌های حدی را به موضوع روز تبدیل کرده است. بارشی ۲۲۴ میلی متری در کمتر از ۲۴ ساعت در مازندران که موجب آبگرفتگی شدید شهرها و خسارت به ۷۷۲ واحد مسکونی شد. این رخدادها را نباید صرفاً یک حادثه مقطعی یا موضوعی برای مدیریت بحران تلقی کنیم. آنچه اهمیت بیشتری دارد، توجه به واقعیتی بزرگ‌تر است: اقلیم در حال تغییر است و این تغییر، شرایطی را که

یک ضرورت در مدیریت آموزشگاه‌های آزاد هنری گلستان

آزاد هنری، بر اساس مصوبه ۴۷۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۰ شکل گرفت و برای شوراهای استانی نیز وظایفی همچون نظارت بر عملکرد آموزشگاه‌ها، بررسی صلاحیت‌ها و نظارت بر برنامه‌های آموزشی تعریف شد. اما امروز، پس از بیش از دو دهه، شاید لازم باشد یک پرسش اساسی

ادامه در صفحه ۳

مهدی عظیمی- آموزشگاه‌های آزاد هنری، صرفاً محل برگزاری چند کلاس آموزشی نیستند؛ بخشی از نظام فرهنگی کشورند که بخش مهمی از تربیت هنری نسل آینده را بر عهده دارند. از همین رو، وجود یک نظام نظارتی دقیق و تخصصی برای آنها، ضرورتی انکارناپذیر است. شورای مرکزی نظارت بر آموزشگاه‌های

مهدی عظیمی- آموزشگاه‌های آزاد هنری، صرفاً محل برگزاری چند کلاس آموزشی نیستند؛ بخشی از نظام فرهنگی کشورند که بخش مهمی از تربیت هنری نسل آینده را بر عهده دارند. از همین رو، وجود یک نظام نظارتی دقیق و تخصصی برای آنها، ضرورتی انکارناپذیر است. شورای مرکزی نظارت بر آموزشگاه‌های



ادامه یادداشت اول

گران وطن زیسته من

گران امروز با مسائلی مانند گسترش شهر، ترافیک، دشواری‌های حمل و نقل، تغییر چهره برخی محله‌ها، ساخت‌وساز و ضرورت حفاظت از میراث تاریخی و طبیعی روبه‌روست. مسئله این نیست که شهر توسعه پیدا کند یا نه؛ مسئله این است که چگونه توسعه پیدا کند. شهری که برای ساختن آینده، گذشته‌اش را از بین ببرد، بخشی از سرمایه آینده خود را نیز از دست داده است. گران هم‌زمان از میراث تاریخی و طبیعت ارزشمندی برخوردار است و این دو می‌توانند پشتوانه

گردشگری، اقتصاد شهری و اشتغال باشند. اما این ظرفیت زمانی به فرصت تبدیل می‌شود که حفاظت از آن جدی گرفته شود؛ نه در حد چند پروژه مرمتی و چند شعار محیط‌زیستی. معیار موفقیت یک شهر، فقط زیبایی تصویر آن نیست. شهر را باید در زندگی روزمره مردمش سنجید، در خیابان‌هایی که هر روز از آنها عبور می‌کنند، در ترافیک، در دسترسی به خدمات، در کیفیت فضاهای عمومی، در امنیت محله‌ها و در امکان کار و زندگی شایسته. شهری که شهروندش در آن احساس آرامش، تعلق و امکان پیشرفت نکند، هرقدر هم زیبا و تاریخی باشد، هنوز راه زیادی تا شهر مطلوب دارد. روز گران می‌تواند فرصتی برای بازنگری در مفهوم تعلق نیز باشد. تعلق همیشه از شناسنامه قومی یا ریشه خانوادگی آغاز نمی‌شود. گاهی از یک کوچه شروع می‌شود؛ از مدرسه‌ای که در آن درس خوانده‌ایم، خانه‌ای که کودکی‌مان را در آن گذرانده‌ایم، بازاری که سال‌ها دیده‌ایم یا آدم‌هایی که بخشی از زندگی

حکمرانی ریسک، هدف اصلی فقط مقابله با حادثه نیست؛ بلکه کاهش احتمال و شدت خسارت پیش از وقوع حادثه است. این تغییر یعنی حرکت از واکنش به پیشگیری، آمادگی، سازگاری و افزایش تاب‌آوری. همچنین به جای طراحی یک برنامه ثابت بر اساس یک آینده مشخص و ثابت، باید بتوانیم برای دامنه‌ای از شرایط محتمل آماده باشیم و در صورت تغییر شرایط، برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را اصلاح کنیم. در چنین شرایطی، مقیاس برنامه‌ریزی نیز اهمیت پیدا می‌کند. سیل فقط در شهر آغاز نمی‌شود. آنچه در شهر به شکل آبگرفتگی یا طغیان رودخانه دیده می‌شود، اغلب نتیجه فرایندهایی است که در بالادست و در کل آبخیز شکل گرفته‌اند. بارش، رواناب، خاک، پوشش گیاهی، رودخانه، دشت سیلابی، کشاورزی، روستا و شهر

ادامه تیر اول

بنابراین با شرایطی روبه‌رو هستیم که در آن، اتکا به الگوهای اقلیمی گذشته برای تصمیم‌گیری درباره آینده دیگر کافی نیست. اقلیم جدید، فقط اقلیم گرم‌تر نیست؛ اقلیمی است با نوسانات و رخداد‌های حدی مهم‌تر و در بسیاری موارد، عدم قطعیت بیشتر برای برنامه‌ریزی.

از اینجا مسئله اصلی روشن می‌شود: مسئله فقط تغییر اقلیم نیست؛ تغییر ریسک است. یک بارش شدید به‌خودی‌خود فاجعه نیست. بارش، رواناب و طغیان رودخانه پدیده‌هایی طبیعی‌اند؛ اما زمانی که این مخاطرات با جمعیت، شهرها، زیرساخت‌ها، کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی در معرض خطر تلاقی می‌کنند، به ریسک تبدیل می‌شوند. میزان خسارت نیز فقط به شدت بارش بستگی ندارد. محل ساخت‌وساز، توسعه در پهنه‌های سیلابی، تغییر کاربری زمین، کاهش پوشش گیاهی و نفوذپذیری خاک، ظرفیت شبکه‌های زهکشی، وضعیت رودخانه‌ها و دشت‌های سیلابی و میزان آمادگی دستگاه‌ها و مردم، همگی در تعیین پیامد یک رخداد نقش دارند. به همین دلیل، این گزاره اهمیت دارد که سیل طبیعی است؛ اما خسارت و آسیب‌های ناشی از سیل تا حد زیادی محصول تصمیم‌های انسانی است. تصمیم‌هایی که سال‌ها پیش درباره محل احداث شهر، جاده، پل، ساختمان، شهرک یا تأسیسات گرفته‌ایم، می‌توانند تعیین کنند که یک بارش شدید صرفاً یک رخداد طبیعی باشد یا به خسارت گسترده تبدیل شود. بنابراین باید پرسشی جدی وارد سیل نباید فقط به اقدامات پس از وقوع محدود شود. پرسش اصلی باید این باشد که پیش از وقوع سیل چه میزان از ریسک را ایجاد کرده‌ایم، چه میزان از آن را می‌توان کاهش داد و برای کاهش آن چه اقدامی انجام داده‌ایم؟ این نگاه، ضرورت بازنگری در شیوه برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند. بخش مهمی از برنامه‌ها و طراحی زیرساخت‌ها بر اساس تجربه و داده‌های گذشته انجام شده است؛ با این فرض که شرایط اقلیمی تغییر می‌کند، این فرض دیگر قابل اتکای کامل نیست. بنابراین باید پرسشی جدی وارد نظام برنامه‌ریزی کشور شود: آیا شهرها، زیرساخت‌ها و برنامه‌های توسعه برای اقلیم آینده طراحی می‌شوند یا برای اقلیمی که بخش مهمی از ویژگی‌های آن متعلق به گذشته است؟ پاسخ به این پرسش، ما را از مدیریت سیل به حکمرانی ریسک می‌رساند. در

ما شده‌اند. به همین دلیل، کسی که ریشه‌اش از جای دیگری از ایران است اما در گران متولد شده، در این شهر زندگی کرده، کار کرده، خانواده تشکیل داده و خاطره ساخته است، نمی‌تواند نسبت به سرنوشت آن بی‌تفاوت باشد. من سیستانی‌ام و به این ریشه افتخار می‌کنم. اما گران نیز بخشی از جان و خاطره من است. ریشه خانوادگی‌ام مرا به بخشی از ایران پیوند می‌دهد و زندگی‌ام مرا به بخشی دیگر. این دو در برابر یکدیگر نیستند؛ هر دو بخشی از داستان من‌اند.

برای من، گران همان وطن زیسته است. و شاید به همین دلیل، ۲۰ شهریور بیش از آنکه روزی برای تعریف و تمجید از شهر باشد، باید روزی برای یادآوری مسئولیت ما در برابر آن باشد؛ مسئولیت مدیران در تصمیم‌گیری درست، کارشناسان در ارائه راه‌حل‌های علمی، رسانه‌ها در بیان واقعیت‌ها و شهروندان در مراقبت از شهری که به آن تعلق دارند. گران به توسعه نیاز دارد، اما توسعه‌ای که هم‌زمان

از نشانه‌های این تغییر رویکرد را می‌توان در تحول نظام‌های هشدار مشاهده کرد. هشدار مؤثر دیگر نباید فقط بگوید بارش شدید پیش‌بینی می‌شود؛ بلکه باید بتواند پاسخ دهد: این بارش در این مکان چه اثری ایجاد خواهد کرد؟ در نظام‌های پیشرفته، اطلاعات هواشناسی و هیدرولوژی با اطلاعات مربوط به جمعیت، زیرساخت‌ها، کاربری زمین و آسیب‌پذیری ترکیب می‌شوند تا مشخص شود یک رخداد در کجا و برای چه کسانی چه پیامدی خواهد داشت. ارزش هشدار زمانی بیشتر می‌شود که بتواند به تصمیم و اقدام منجر شود؛ مانند آماده‌باش، مدیریت تردد، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی یا تخلیه پیشگیرانه. در واقع، مسیر باید از پیش‌بینی بارش به پیش‌بینی اثر، از هشدار به اقدام و از مدیریت حادثه به کاهش ریسک تغییر



کند. این تغییر، صرفاً یک تحول فنی نیست؛ و به تغییر در نحوه جمع‌آوری و استفاده از داده، هماهنگی دستگاه‌ها، تخصص منابع و تصمیم‌گیری مدیریتی نیاز دارد. استان گلستان نمونه مناسبی برای درک اهمیت این تغییر نگاه است. تجربه سیل‌های متعدد، به‌ویژه رخداد بزرگ سال ۱۳۹۸، نشان داده است که خسارت سیل را نمی‌توان فقط با مقدار بارش توضیح داد. وضعیت حوضه‌ها، رودخانه‌ها، کاربری اراضی، زیرساخت‌ها و سکونتگاه‌های در معرض خطر نیز در شکل‌گیری خسارت نقش دارند. از سوی دیگر، قرار گرفتن بخش مهمی از استان در حوضه‌های گرگانرود و اترک نشان می‌دهد که مدیریت آب و سرزمین را نمی‌توان صرفاً در محدوده‌های اداری و مسئولیت‌های جداگانه دنبال کرد. تجربه گلستان می‌تواند به جای

تاریخ، طبیعت، اقتصاد و مهم‌تر از همه، انسان را ببیند. شهر را نمی‌توان فقط با مخاطرات گذشته اداره کرد؛ همان‌طور که آینده را نمی‌توان با پاک کردن گذشته ساخت. هنر مدیریت شهری، پیدا کردن تعادل میان این دو است، حفظ آنچه ارزشمند است، اصلاح آنچه ناکارآمد شده و ساختن آنچه نسل‌های آینده به آن نیاز دارند. ۲۰ شهریور می‌تواند یادآور حقیقت ساده‌ای باشد، وطن فقط سرزمینی نیست که از آن آمده‌ایم؛ سرزمینی هم هست که در آن زندگی کرده‌ایم و برای بهتر ماندنش مسئولیت داریم. بنابراین وقتی از روز گران سخن می‌گوییم، درباره یک شهر حرف نمی‌زنم؛ درباره بخشی از خودم، خانواده‌ام و سال‌هایی حرف می‌زنم که در این سرزمین گذشته است. برای من، دوست داشتن گران تعهدی است برای دیدن زیبایی‌هایش، شناختن ضعف‌هایش و مطالبه آینده‌ای شایسته‌تر برای شهری که بخشی از زندگی من است.

تکرار چرخه رخداد، خسارت، جبران خسارت، به فرصتی برای بازنگری در شیوه برنامه‌ریزی و کاهش ریسک پیش از رخداد بعدی تبدیل شود. در این مسیر، چند تغییر اساسی ضروری است: ارزیابی ریسک اقلیمی باید وارد فرایند برنامه‌ریزی توسعه شود؛ طرح‌های شهری، روستایی و زیرساختی باید با توجه به شرایط اقلیمی آینده بازنگری شوند؛ مدیریت ریسک باید در مقیاس حوضه و با هماهنگی دستگاه‌ها انجام گیرد؛ سرمایه‌گذاری پیشگیرانه باید در کنار هزینه‌های مقابله و جبران خسارت قرار گیرد؛ و ظرفیت‌های طبیعی مانند جنگل، خاک، تالاب، آبخوان و دشت سیلابی باید در کنار زیرساخت‌های مهندسی، بخشی از نظام کاهش ریسک محسوب شوند. تجربه جهانی نشان داده است که حفاظت و احیای این ظرفیت‌ها می‌تواند در کنار زیرساخت‌های مهندسی، نقش مهمی در کاهش پیامدهای سیل و سایر مخاطرات داشته باشد. همچنین لازم است سندهای تدوین شده از قبیل سند آمادگی و پاسخ به بحران و سند مدیریت جامع بحران استان که در سال‌های اخیر تهیه و مصوب شده است مرحله اجرا شود تا در آینده شاهد خسارت‌های ناشی از سیل و یا سایر وقایع نباشیم. داشتن سند، به‌تنهایی آمادگی ایجاد نمی‌کند. ارزش واقعی این اسناد زمانی آشکار می‌شود که وظایف، منابع، سازوکار هماهنگی و اقدامات پیشگیرانه آنها در عمل اجرا، تمرین و ارزیابی شود و کاستی‌ها پیش از وقوع حادثه بعدی اصلاح شوند. علاوه بر موارد بالا نظام حکمرانی باید توان یادگیری و اصلاح داشته باشد. در شرایطی که اقلیم، دانش و اطلاعات در حال تغییر است، برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نیز نباید غیرقابل تغییر باشند. حکمرانی اقلیمی موفق، حکمرانی‌ای است که بتواند از داده و تجربه یاد بگیرد، ریسک‌های آینده را زودتر ببیند و پیش از تبدیل شدن آنها به بحران، تصمیم خود را اصلاح کند. تغییر اقلیم را نمی‌توان متوقف کرد و نمی‌توان همه رخداد‌های حدی را پیش‌بینی یا مهار کرد؛ اما می‌توان میزان مواجهه و آسیب‌پذیری را کاهش داد. بنابراین مسئله امروز فقط این نیست که بارش بعدی چه زمانی و با چه شدتی خواهد بود. پرسش مهم‌تر این است: آیا پیش از رخداد بعدی، شیوه برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و حکمرانی سرزمین خود را با شرایط اقلیمی جدید سازگار کرده‌ایم؟ اقلیم تغییر کرده است. پس باید شیوه برنامه‌ریزی تغییر کند؛ شیوه مدیریت ریسک تغییر کند؛ و در نهایت، شیوه حکمرانی سرزمین نیز تغییر کند. اقلیم جدید، حکمرانی جدید می‌خواهد.

استاد تمام دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی گران

ادامه تیر دوم

یک ضرورت در مدیریت آموزشگاه‌های آزاد هنری گلستان

در سال‌های اخیر، بخشی از جامعه آموزش هنر نسبت به موضوعاتی همچون شیوه تعیین شهریه، کیفیت نظارت، تفاوت شرایط اقتصادی و جغرافیایی آموزشگاه‌ها، ارزیابی صلاحیت مدرسان و میزان مشارکت بدنه تخصصی هنر در تصمیم‌گیری‌ها دغدغه‌هایی داشته‌اند؛

دغدغه‌هایی که شایسته است به جای تبدیل شدن به تقابل میان آموزشگاه و دستگاه نظارتی، به فرصتی برای اصلاح و گفت‌وگو تبدیل شوند. خوشبختانه جهت‌گیری‌های جدید وزارت فرهنگ نیز نشان می‌دهد که نگاه به آموزشگاه‌های آزاد هنری در حال حرکت به سمت استانداردسازی، ارزیابی، رتبه‌بندی و نظارت تخصصی است؛ حتی سامانه‌هایی برای نظارت و ارزیابی آموزشگاه‌ها طراحی شده تا علاوه بر شناسایی تخلفات، عملکرد آموزشگاه‌ها ارزیابی و رتبه‌بندی شود. به باور من، شورای استانی می‌تواند از یک نهاد صرفاً ناظر، به یک مرجع راهبر و توسعه دهنده آموزش هنر در استان تبدیل شود.

برای رسیدن به این هدف، می‌توان چند اقدام عملی را در دستور کار قرار داد: ۱. رتبه‌بندی واقعی آموزشگاه‌ها بر اساس کیفیت آموزش، صلاحیت مدرسان، امکانات، رضایت هنرجویان، فعالیت‌های فرهنگی و خروجی هنری؛ نه صرفاً بر اساس سابقه یا تعداد هنرجو.

۲. رصد و تحلیل مستمر آموزش هنر استان؛ از شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای واقعی تا برنامه‌ریزی راهبردی برای آینده آموزش هنر



۳. استفاده از نظر استادان و مدیران باتجربه و نمایندگان صنفی در کنار ساختار اداری شورا؛ چرا که نظارت بر آموزش تخصصی، بدون حضور تخصص، کامل نخواهد بود.

۴. تفکیک «تخلف» از «ضعف مدیریتی یا اقتصادی» و طراحی مسیر اصلاح پیش از برخورد؛ زیرا هدف نهایی نظارت باید اصلاح و ارتقای آموزش باشد. ۵. حمایت از آموزشگاه‌های موفق و جریان‌ساز و ایجاد انگیزه برای آموزشگاه‌هایی که در تربیت هنرجویان مستعد، فعالیت‌های فرهنگی و توسعه هنر استان نقش مؤثر دارند.

و شاید مهم‌تر از همه، لازم باشد میان «نظارت» و «اعتماد» تعادل تازه‌ای ایجاد کنیم.

آموزشگاه خوب، دشمن نظارت نیست؛ همان‌گونه که نهاد ناظر نیز نباید

صرفاً در جایگاه برخوردکننده دیده شود. هر دو، اگر هدفشان ارتقای فرهنگ و هنر باشد، در یک جبهه قرار دارند.

امروز استان گلستان بیش از آنکه به افزایش تعداد آموزشگاه‌های هنری نیاز داشته باشد، به افزایش کیفیت آموزشگاه‌ها نیاز دارد؛ به شورایی که فقط پرونده‌ها را بررسی نکند، بلکه آینده آموزش هنر استان را نیز ببیند.

شاید زمان آن رسیده باشد که شورای نظارت استان، از یک «اتاق تصمیم‌گیری اداری» به یک اتاق فکر تخصصی برای آینده آموزش هنر گلستان تبدیل شود؛ جایی که قانون، تجربه، تخصص، اقتصاد آموزش، دغدغه خانواده‌ها و آینده هنرجویان در کنار یکدیگر دیده شوند.

مدیریت فرهنگی زمانی اثرگذار است که تنها بر فعالیت‌ها نظارت نکند؛ بلکه مسیر رشد آنها را نیز طراحی کند.

شاید بهترین مدیر برای چنین ساختاری، کسی نباشد که صرفاً قوانین را بداند؛ بلکه کسی باشد که قانون را بشناسد، هنر را بفهمد، آموزش را تجربه کرده باشد و زبان آموزشگاه، هنرمند، هنرجو و خانواده را هم‌زمان بداند.

جناب آقای مدیرکل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان؛

سخن من امروز، سخن کسی نیست که صرفاً یک آموزشگاه را اداره می‌کند.

مدیری هستم که سال‌ها در حوزه آموزش موسیقی فعالیت داشته، سه آموزشگاه را مدیریت می‌کنم، در زمینه آموزش و فرهنگ موسیقی قلم زده‌ام و کتاب‌های مرتبط با این حوزه به رشته تحریر درآورده‌ام و از نزدیک با مسائل، ظرفیت‌ها و چالش‌های واقعی آموزشگاه‌های آزاد هنری زندگی کرده‌ام.

شورایی که قرار است برای آینده آموزش هنر تصمیم بگیرد، بیش از هر چیز به تخصص، تجربه میدانی، تنوع دیدگاه و شناخت واقعی از مشکلات این حوزه نیاز دارد؛ چرا که اگر صدای مدیران و فعالان واقعی این عرصه در شورا شنیده نشود، بسیاری از مشکلاتی که امروز با آن مواجهیم، اساساً نباید به وجود می‌آمد.

مدرس موسیقی

نوغانداری فرصت سرمایه‌گذاری و اشتغال برای زنان روستایی

تا ۱۶۵ تن پيله تر توليد شد. رضا نظری افزود: با این مقدار تولید پيله تر ابریشم، نوغانداران استان توانستند رتبه سوم کشوری را از آن خود کنند. وی مهم‌ترین مشکل صنعت نوغانداری گلستان را نبود صنایع تبدیلی و خام‌فروشی محصولات عنوان کرد و گفت: بخش قابل توجهی از تولیدات استان برای فرآوری به استان‌های اصفهان، یزد و خراسان ارسال می‌شود در حالی که ایجاد واحدهای فرآوری می‌تواند ارزش افزوده و اشتغال بیشتری برای گلستان به همراه داشته باشد. نظری خواستار افزایش میزان تسهیلات و شمار بهره‌برداران این حوزه شد و افزود: گلستان از دانش بومی و نیروی متخصص مناسبی در حوزه نوغانداری برخوردار است و در شهرستان‌هایی مانند مینودشت، کلاله و رامیان فعالیت‌های خوبی انجام می‌شود، بنابراین با افزایش حمایت‌های مالی و آموزشی می‌توان تولید این محصول را ارتقا داد. وی با اشاره به سهمیه پرداخت هزار و ۲۰۰ تسهیلات بانکی به صنعت نوغانداری استان گلستان گفت: تعداد بهره‌برداران فعال این صنعت در استان بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ نفر است. معاون باغبانی جهادکشاورزی گلستان نیز گفت: اکنون ۲ نهالستان در زمینه تولید نهال توت در استان گلستان فعالیت دارد که ظرفیت تولید این واحد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نهال است. نویدرضا فرهانی افزود: این مدیریت به دنبال توسعه نوغانداری با گسترش نهالستان‌های توت در استان است.



اکرامیان افزود: امسال پرداخت تسهیلات بانکی به هزار و ۲۰۰ پرورش‌دهنده پيله تر ابریشم در این استان شمالی در نظر گرفته شده و سقف تسهیلات بانکی به هر نوغاندار ۲ میلیارد ریال است، گفت: این تسهیلات پرداختی در حوزه‌های بهسازی مکان نگهداری پيله‌ها مصرف خواهد شد. معاون بهبود تولیدات دامی جهادکشاورزی گلستان نیز با اشاره به ظرفیت این استان در حوزه نوغانداری، گفت: گلستان از استان‌های مهم کشور در تولید پيله تر ابریشم است و امسال حدود چهار هزار و ۲۰۰ جعبه تخم نوغان در استان توزیع شده که بین ۱۶۰

نوغانداری استان گلستان در حوزه‌های ارایه تسهیلات به پرورش دهندگان، توسعه نهالستان، ایجاد زنجیره ارزش از جمله ایجاد واحدهای فرآوری، نخ‌ریسی، بافندگی به سرمایه‌گذاری نیاز تا علاوه بر جلوگیری از خام‌فروشی، زمینه اشتغال مستقیم و غیرمستقیم جوانان و زنان روستایی را فراهم کند و زنجیره تولید تا مصرف را در داخل استان تکمیل سازد. یک کارآفرین صنعت نوغانداری گلستان گفت: در این استان شمالی، مینودشت، رامیان، کلاله، آزادشهر، گالیکش، مراوه‌تپه و گنبدکاووس دارای بهره‌بردار فعال در زمینه پرورش پيله تر ابریشم هستند. پژمان

این مسیر به درآمد خانوار کمک کند که با آشکارشدن ظرفیت‌های اقتصادی نوغانداری، روستاییان این مناطق به سمت کسب دانش این رشته و کسب تجربه برای پرورش کرم ابریشم رفتند. یکی از جدی‌ترین مشکلات فعالان نوغانداری گلستان، فروش خام پيله تر تولیدشده به خریدارانی از استان‌های دیگر است که به دلیل نبود فرصت صنایع تبدیلی، پيله‌ها با کمترین بهره‌وری به مناطق دیگر کشور رفته و پس از تبدیل به نخ ابریشم بار دیگر با قیمتی چند برابری در اختیار فعالان صنایع دستی استان قرار می‌گیرد. حمایت از صنعت

نوغانداری از جمله فعالیت‌های اقتصادی سازگار با شرایط روستاهای گلستان است که با سرمایه اولیه و فضای محدود، امکان مشارکت اعضای خانواده در فرایند تولید را فراهم می‌کند که اگر با حمایت بیشتر همراه شود می‌تواند گزینه اول روستائینان برای تقویت اقتصاد خانواده باشد. به گزارش ایرنا، گلستان با دارا بودن بیش از هزار هکتار توتستان طبیعی و مصنوعی، یکی از بزرگ‌ترین ذخیره‌گاه‌های برگ توت به عنوان غذای اصلی کرم ابریشم در ایران محسوب می‌شود و آب‌وهوای مرطوب و معتدل این منطقه، شرایطی ایده‌آل برای پرورش کرم ابریشم فراهم کرده است. به گفته کارشناسان، گلستان در حال حاضر رتبه سوم تولید پيله تر ابریشم در کشور را به خود اختصاص داده و تنها در سال گذشته، بیش از ۳۰۰ تن پيله تر تولید کرده است. دوره پرورش کرم ابریشم حدود ۴۵ روز است و هر جعبه تخم نوغان می‌تواند در یک دوره برای سه نفر یا یک خانوار اشتغال مودی و فصلی ایجاد کند. ز گذشته صنعت نوغانداری در شرق گلستان بازار پررونقی داشت و کم‌کم این فرصت شغلی درآمدزا علاوه بر مینودشت به عنوان قطب این صنعت در رامیان، کلاله، آزادشهر، گالیکش، مراوه‌تپه و گنبدکاووس نیز گسترش یافت. فعالیت در نوغانداری به گونه‌ای است که زنان روستایی در کنار همسران و فرزندان خود می‌توانند در بخش‌هایی مانند نگهداری و تغذیه کرم ابریشم و تولید پيله تر ابریشم نقش مؤثری داشته و از

۱۳۳۱ بخش «یمن» را در نامه‌ی «مهر» به چاپ رساند (سال ۸، ص۶۵ و…؛ زیربخش‌ها: هاماوران، پادشاه حمیر، رقابت‌های بازرگانی، اصحاب اخذود؛ افزوده به چاپ ۱۳۳۶). سرانجام بخش‌های چاپ شده و هنوز چاپ نشده را در ویراست دیگری به نام «چاپ دوم» (۱۳۳۶) گنج‌جاند. [تو‌یسنده‌ی این یادداشت با همه‌ی جست‌وجوها تاکنون از دیدن چاپ ۱۳۳۶ کتاب بازمانده است.] پس از این سال، همه‌ی چاپ‌های دیگر کتاب با «مقدمه چاپ دوم» (۱۳۳۶) درآمده است.

ویراست دوم، کاری دیگر

در نبود دست‌رسی به تکه‌های چاپ شده در روزنامه‌ی مهرگان و نامه‌های دیگر به آسانی نمی‌توان درباره‌ی هم‌آهنگی چاپ ۱۳۳۰ با نوشتار آغازین چیزی گفت. چاپ ۱۳۳۰ در ویرایش دیگر، دست‌خوش گسترش و بازنویسی شد. این چاپ در سه بخش بسته شده بود: طوفان، نبرد در تاریکی، و پایان یک شب. نویسنده در دیباچه‌ی ۱۳۳۶ نوشت، «من ترتیب و شیوهٔ کتاب اول را برهم زدم و کاری دیگر پیش گرفتم.» دگرسانی با نگاه به خرده‌سنجی‌های دیگران رخ داد. در ویراست دوم، سه گونه دگرسانی به کتاب راه یافته‌است: ۱. باز ساختاربندی، ۲. گسترش داده‌ها، ۳. بازنگری در سوگیری گزاره‌ها. از دید ساختاربندی، بخش‌های «فرمان‌روایان صحرا» (ص۱–۳۹)، «طوفان و ریگ» (ص۴۰–۶۷)، «زبان گمشده» (ص۸۰–۱۲۷)، «در آن‌سوی جیحون» (ص۱۲۷–۱۸۶)، «جنگ عقاید» (ص۱–۳۰۳۴۳) در چاپ ۱۳۳۶ افزوده شدند، و بخش‌های «آتش خاموش» (ص۶۷–۱۰۷)، «درفش سیاه» (ص۱۲۸–۱۶۶)، «شهر هزار و یک شب» (ص۱۸۷–۲۲۵)، «بانگ رستاخیز» (ص۲۲۶–۳۰۰)، «پایان یک شب» (ص۳۶۹–۳۷۴، شماره‌ها بر پایه‌ی چاپ ۱۳۴۴) از چاپ پیشین به ساختار تازه‌ی کتاب راه یافتند. هم‌چنین برخی بخش‌ها و گزاره‌های کتاب در ویراست دوم گسترش یافتند. از دید بازنگری در سوگیری، دگرسانی‌های راه یافته به ویرایش دوم در شکاف میان مردم و یک‌پارچگی دست‌گاه ساسانی از یک‌سو، و مرزبندی میان عرب‌ها و مسلمانان از سوی دیگر پررنگ‌تر است. این دگرسانی‌ها در پاره‌های دیگر هم‌این رده از یادداشت‌ها بررسی خواهد شد.

به دشواری می‌توان ویراست دوم را نوشتار بازنگری‌شده‌ی کتاب نخست خواند. زرین‌کوب در ویراست دوم بیش‌تر بخش‌های کتاب را بازنویسی کرد. از این رو، در مقدمه یادآوری نمود «شاید مناسب بود که نام تازه‌ی» برمی‌گزید. از دید او کتاب نخست نوزادی بود که در ویراست دوم به «رشد و نمایی» رسید، هم‌این ویژگی، یک‌سانی نام‌گذاری را از دید او پذیرفتنی کرده بود. در خوش‌بینانه‌ترین بازگویی، شاید بتوان گفت ویراست دوم از گسترش چند مایه‌ی بن‌یادی کتاب نخست پدید آمده بود.

انگیزه‌های بازنگری

در مقدمه‌ی چاپ دوم کتاب، انگیزه‌های نویسنده را از ویراست تازه به روشنی بازمی‌یابیم. زرین‌کوب نوشته است: «در تجدیدنظر ... ترتیب و شیوهٔ کتاب اول را بر هم زدم و کاری دیگر پیش گرفتم.» انگیزه‌ی این بازنگری، رویارویی با نادرستی‌ها و کاستی‌های راه‌یافته در کتاب بود. برخی نارسایی‌ها را سخن‌شناسان و خرده‌سنجیان یادآوری کرده بودند، و برخی دیگر به چشم خود نویسنده پررنگ آمده بود. زرین‌کوب کوشید بر هرچه نارسا «و تاریک و نادرست بود» خط بکشد. از دید او نادرستی‌ها برآیند خامی یا سخت‌گیری بود و نشان می‌داد که نویسنده هنوز نتوانسته موشکافانه در شکست پادشاهی ساسانی بنگرد، و با کنار زدن شور و حماسه‌ی لبریز شده، به بازگویی چرایی و چگونگی شکست بپردازد. او دریافت‌ه بود که تاریخ را «به زرق و دروغ و غرور و فریب» نمی‌توان نوشت. چنین روشی خوانندگان جوان را به گم‌راهی می‌کشاند.

هرچند زرین‌کوب از انگیزه‌های بازنگری سخن گفته است، جایی روشن نکرده که سنجه‌های او در شناخت نادرستی و کاستی‌ها چیست. این سنجه‌ها درون گستره‌ی گفتمانی آن روزگار کار می‌کردند، اما روشن نیست که در این چارچوب، نادرستی از کجا سرچشمه می‌گرفت: از گزینش داده‌ها، از برانگیختگی تند و پرشتاب، از داوری اخلاقی، یا از ناتوانی در دریافت پیوستگی روزگاران باستانی ایران با سده‌های پس از برافتادن ساسانیان؟ بررسی ویراست دوم نشان می‌دهد که همه‌ی آن‌چه در ویراست نخست نارسا بود، کنار گذاشته نشد، برخی از آن‌ها دست نخورده ماندند، و برخی دیگر در پیکربندی تازه، دوبار بازگشتند.

انگیزه‌ی دیگر بازنگری، کوتاهی و فشرده‌گی بخش‌هایی از نوشته بود. زرین‌کوب دریافت این بخش‌ها پرسش‌هایی را پیش می‌آوردند که نویسنده به آن‌ها پاسخ نداده است. پرداختن به این پرسش‌ها نشانه‌ی پاس‌داشت حقیقت بود. برپایه‌ی هم‌این دیدگاه، کتاب در ویراست دوم چنان گسترش یافت که از دید خود نویسنده نیز، دیگر نمی‌بایست با نام پیشین به چاپ برسد.

مایه‌های گسترش‌یابنده

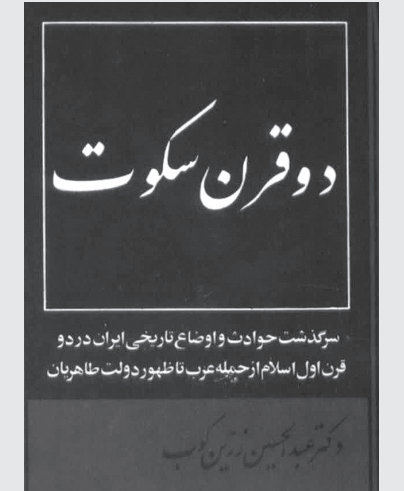
دو قرن سکوت در ویرایش نخست با گزارش «آغاز یک

دو قرن سکوت

در آستانه‌ی هشتاد سالگی یک کتاب

بازخوانی دو قرن سکوت پس از هفتادوهفت سال

هادی راشد



در آمد، از ادبیات به تاریخ

دو قرن سکوت، کتابی پراوازه، بسیار خوانده شده و با نگاه به کارکرد پای‌دار آن در میان نوشته‌های عبدالحسین زرین‌کوب و کتاب‌های ادبی و تاریخی، کم‌تر شناخته است. در دیباچه‌ی چاپ ۱۳۳۰ می‌خوانیم: دو قرن سکوت «جز مقدمه‌ای بر گذشتهٔ ادبی ایران» نیست، اما در چاپ‌های دیگر، این کتاب را با پی‌نام گسترده‌ی «سرگذشت حوادث و اوضاع تاریخی ایران ...» بازمی‌یابیم. زرین‌کوب یادآوری کرده است که مهر شاه‌نامه، کمندی بود که او را به گستره‌ی تاریخ کشاند (حکایت ...، ص۴۹). او در هیچ زمینه‌ای به اندازه‌ی تاریخ از جان، مایه نگذاشت. زرین‌کوب چنان که خود یادآوری کرده‌است، نگارش این گفتارها را پس از دریافت پیش‌نهادِ بازسازی «دورنمایی از گذشته ادبی ایران» (چند اعتراف ...، ۱۳۳۰) آغاز کرد.

پرش‌های راه‌اندا

دو قرن سکوت از دید گستره‌ی نشانه‌گذاری ادبی، نوشته‌ای نمونه و به یادآوردنی است. به سزاواری درباره‌ی این کتاب، چیزی نمی‌توان گفت، مگر در بازخوانی‌های پیوسته‌ی آن. یک بازخوانی درخور، باید بتواند نشان دهد که هسته‌های گسترش‌یابنده‌ی کتاب کدام اند؟ این هسته‌ها چگونه به هم پیوسته‌اند؟ کارویژه‌ی کتاب چیست یا چه بود؟ در ویراست‌های دوگانه، کدام پرسش‌ها برجسته شدند؟ کتاب با چه خرده‌سنجی‌هایی رویه‌رو گردید؟ و چرا و چگونه دو قرن سکوت به چنین جای‌گاهی رسید؟ نویسنده در رده‌ی یادداشت‌های کنونی، خود را با این پرسش‌ها رویه‌رو یافته است.

ساخت آغازین کتاب

عبدالحسین زرین‌کوب، بخش‌های کتاب دو قرن سکوت را نخستین‌بار در سال‌های ۱۳۲۸–۱۳۲۹ تکه تکه در روزنامه‌ی مهرگان، ارگان جامعه‌ی لیسانسیه‌های دانش‌سرای عالی و نامه‌های دیگر (نامه تمدن: سنباد؛ پشوتن: استادسیس؛ و شاید ...؛ نک: فهرست مقالات فارسی ۱) به چاپ رساند. پس از آن، تکه‌های چاپ شده را در پیکره‌ی یک کتاب سازمان داد (۱۳۳۰). با این همه، در این سال، هنوز نوشته‌های او در این باره به پایان نرسیده بود. تا جایی که جست‌وجوها نشان می‌دهد در سال



زرین‌کوب در دیباچه، کار خود را «طرح بی‌رنگی از یک دورنما ... ناقص، مبهم و تاریک» خواند که «اگر روزی تمام زوایای دهلیز تاریک گذشته روشن شود دیگران به جای این طرح بی‌رنگ، دورنمای زنده و گویا خواهند پرداخت.» به کارگیری واژگان طرح و دورنما از سوی زرین‌کوب دو سویه داشت، از یک‌سو، این واژگان در زبان آن روز، نو بود و از روی‌کرد نوین نویسنده به نوشتار فارسی آگاهی می‌دهد؛ و از سوی دیگر، نشان می‌داد که زرین‌کوب نمی‌خواست کار خود را در چارچوب یک کتاب تاریخ‌شناسایی کند.

زرین‌کوب در دیباچه به روشنی یادآوری کرده است که «لازم» ندیده بود، «تناسبی را که در یک کتاب تاریخ، میان اجزاء و اسناد باید وجود داشته باشد»، به جای آورد. زیرا آن‌چه نوشته است، «تاریخ نبود»، تنها «یادداشت‌ها و حاشیه‌هایی بر تاریخ بود.» این گزاره و گزاره‌های دیگری که در دیباچه آمده است، مانند «نمی‌خواستیم اسناد شهادت‌ها را بر محک تحقیق عرضه کنیم»، «در تاریخ ملاک یقین چیست؟ ... [از] آن‌چه متکی بر شایعات و متواترات و مظنونات باشد چگونه می‌توان معرفت قطعی و جزمی بنیاد نهاد؟» و «در تاریخ از بی‌طرفی ... سخن بسیار گفته‌اند، لیکن این سخن ادعایی بیش نیست»، دیدگاه‌های او را درباره‌ی ناستواری دریافت تاریخی پیکر‌بندی می‌کند. زرین‌کوب بسیاری از این پرسش‌ها را در تاریخ در ترازو کنار نهاد.

دو قرن سکوت از دید نویسنده، تاریخ نبود: «جرات نمی‌کنم [آن را] تاریخ بخوانم»، در برابر، «صحنه‌ای از تاریخ گذشته را از روزن وجدان و عواطف خویش و از پشت شیشه‌های تاریک و رنگارنگ منابع و اسناد» بازنمایی کرد. اگر واژه‌ی «تاریخ» را از گزاره‌ی بالا برداریم، آن‌چه می‌ماند، نشانه‌های ادبیات را به نمایش درمی‌آورد، یک بازسازی ادبی.

پاسخ زرین‌کوب به این پرسش که «آیا در پاره‌ای موارد نیز از خود و احساسات خود زیاد مایه گذاشته؟» آری است: «این را انکار نمی‌کنم.» او آن‌گاه با روشنی هرچه بیش‌تری یادآوری می‌کند: «درین محیط اندیشه و احساسات که ادبیات نام دارد کیست که از جهان خود، از جهان احساسات و الهامات خود بتواند یکدم و یک‌قدم خارج شود؟» او با این سخنان بر درهم‌آیزی مرز میان تاریخ و ادبیات، درنگ می‌کند: پوش حقیقت، حقیقت محض، هیچ‌گاه از پی‌روی «احساسات و تمایلات» برکنار نیست.

شکاف روش‌شناسی: در چرخش از آن‌چه نویسنده می‌خواست بنویسد، به آن‌چه نوشته شده است، با شکاف روش‌شناسی در دو قرن سکوت رویه‌رو می‌شویم. نشانه‌های باز شدن این شکاف را محمود اعتمادزاده (م. الف. به‌آزین) در نگاهی به ویرایش دوم کتاب، یادآوری کرده است. زرین‌کوب در ویرایش نخست، داده‌های تاریخی را نه در روند شناخت زمینه‌های برافتادن ساسانیان و برآمدن عرب‌ها که در روند بازنمایی ستیز تاریخی ایرانیان و عرب‌ها به کار می‌گیرد. از این رو در بازگویی رفتار برندگان نبرد، بی‌درنگ از واژگان سده‌ی بیستمی، مانند «ژاد برتر»، «فاتحان نیمه‌وحشی و مغولان متملن»، «اسوسمارخواران گرسنه‌چشم» و ... سود می‌برد، و نشان می‌دهد که ارزش‌گذاری‌های سده‌ی بیستم به ساخت گزارش تاریخی او راه یافته‌است. این نگرش در ویراست دوم، اندکی کم‌رنگ می‌شود، اما نه مانند روش نگارش تاریخ ایران بعد از اسلام، که از کنلوکار در تاریخ‌سالیان پایانی ساسانیان، و شناخت دگرگونی‌های عرب‌ها در روزگاران برآمدن اسلام سخن می‌گوید. در دو قرن سکوت، این شناخت از پیش آماده بود و نویسنده پی آمده‌ای این شناخت را در کتاب گسترش داد.

پژوهشگر ادب فارسی

- در پویه‌ی زبان فارسی
- گزیده‌ی یادداشت‌ها در فرهنگ، زبان و ادبیات

چالش‌های روش‌شناسی

روش نوشتار، روش تاریخ‌نگری

زرین‌کوب در دیباچه‌ی چاپ نخست (۱۳۳۰)، و مقدمه بر چاپ دوم (۱۳۳۶)، روش کار خود را آن‌گونه که می‌خواست بنویسد (یا آن‌گونه که خود می‌پنداشت نوشته است) به روشنی بازگفته است. از سوی دیگر، درنگ در شیوه‌ی گسترش هر گفتار، روش کار او را آن‌گونه که نوشته است– می‌شناساند. اگر از دید روش‌شناسی تاریخی بررسی کنیم، شکاف میان آن‌گونه که می‌خواست بنویسد، با آن‌چه در کتاب نوشته شده است، شماری از ویژگی‌های بن‌یادی کار زرین‌کوب را آشکار می‌کند. در این‌جا تنها به یادآوری و نام‌گذاری این ویژگی‌ها بسنده شده است؛ سخن گسترده‌تر در بخش‌های دیگر هم‌این یادداشت خواهد آمد. تاریخ یا ادبیات: از دید روش‌شناسی، نخستین پرسش به «گونه» یا «ژانر» کتاب برمی‌گردد: دو قرن سکوت، یک کتاب تاریخی است؟ یا پژوهشی است در گستره‌ی ادبیات؟ این دوگانگی از دیرباز مایه‌ی سردرگمی سنجش‌گران بوده است. سخنان نویسنده در دیباچه‌ی چاپ ۱۳۳۰ و مقدمه بر چاپ ۱۳۳۶ درباره‌ی روش کار نیز بر این سردرگمی افزوده است.



نوستالژی



مهدی سیف حسینی

چقدر می توان برای داشتن یک احساس نوستالژیک ارزش و اعتبار قائل شد. میلان کندورا در کتاب جهالت می گوید: اولین انسان نوستالژیک تاریخ اولیسیوس بود. نمی دانم چقدر این حرف درست است، اما در کتاب ادیسه هومر برای رهایی هلن از اسارت پاریس یکی از قهرمانان اسطوره ای اولیس بود. او در بازگشت از تروا با موانع و مشکلات بسیاری روبرو شد که خواندنی است اما یکی از مشکلات بازگشت گرفتاری اولیس ماندن نزد یک پری بسیار زیبا بنام کالیپسو بود که همه چیز را برای اولیس فراهم کرده بود تا نزدش بماند. زندگی باشکوه، طبیعت بی نظیر، غذاهای مطبوع، کامجویی و لذت بی انتها و ... همه چیز برای رضایت روان و تن، اما هیچکدام رضایت اولیس را فراهم نمی کرد زیرا او هنوز در اندیشه اش بازگشت به ایکوا و ادامه زندگی با همسرش پنلوپه بود. به این احساس

بازگشت و ادامه زندگی قبلی نزد همسرش احساس نوستالژیک گویند. احساسی که هیچ دست آورد متعالی جایش را پر نمی کند و نوعی ناکامی و نزاع در آن دیده می شود. دوستی سخن می گفت که در لندن به دیدار خانمی که حدود ۱۰۰ سال سن داشت رفته بود. دید این خانم مسن عکس های دوران آغاز زندگی را که در ایران بوده به دیوار اتاقش زده و با آن دلخوش است. وقتی پرسیده شد که شما چند سالی است که در انگلیس زندگی می کنید؟ پاسخ شنید که ۷۰ سال و پرسش اساسی اینجاست زندگی که ۷۰ سال در یک محیط با یک آداب و رسوم و فرهنگ زندگی کرده و فرزندان، نوه ها و ... متولد آنجا هستند و با آن شرایط زیسته اند و بزرگ شده اند، چگونه است که اینهمه زمان نتوانسته رضایت باطنی او را جلب کند و غالب دلخوشی اش (۳۰ سی) سال اول عمر است و

اینکه با آن خاطرات است که زندگی می کند و آن آدم ها درون قاب عکس است که به او انرژی و احساس آرامش منتقل می کنند و بواقع صدای گرم یک دختر عمو هم سن خودش در ایران که از راه تصویر فضای مجازی با هم گفتگو می کنند به او آنچنان شور و عشق و هیجان منتقل می کند که گویی در آن سالها زندگی می کند. چطور است که ۷۰ سال زندگی باشکوه نتوانسته یاد و خاطره آن ۳۰ سال را از خاطر ببرد. آیا این یک احساس نوستالژیک نیست؟



انباشت زباله و گرفتن ورودی، چالش پارک های جنگلی گلستان

گرگان از سال ۱۴۰۰ بر اساس مصوبه شورای حفظ حقوق بیت المال ممنوع شده است، گفت: این پارک جنگلی دارای ظرفیت های بسیاری برای گردشگری است و با وجود اینکه در کتابچه جدید بر رعایت مسایل زیست محیطی تاکید شده، حتما پروژه های گردشگری هم داریم که تمام اقشار مردم بتوانند از این پارک استفاده کنند. مقسم درختان خطرناک را از دیگر چالش ها برشمرد و اظهار کرد: برخی از این درختان خطرناک در سال های گذشته باعث خسارت مالی و جانی شدند که در حال حذف این درختان هستیم که این طرح در پارک جنگلی انگدره، دلد و شیرآباد انجام شده و تنه درختان خطرناک در طبیعت باقی مانده است. وی افزود: در پروژه بعدی روی تنه باقی مانده این درختان برای خارج شدن از حالت خشکی، منبت کاری خواهد شد تا برای گردشگران جذابیت ایجاد شود. مقسم یکی دیگر از چالش های پارک های جنگلی گلستان را دریافت ورودی اعلام کرد و گفت: در این استان از گرفتن ورودی استقبال نمی شود در صورتی که از محل این درآمد می توان بخشی از پروژه های مورد نیاز را اجرا کرد و در تعداد اندکی از پارک ها مانند کبودال شهرداری علی آبادکول، شیرآباد شهرداری خان ببین، دلد شهرداری دلد، گل رامیان و آق سو ورودی دریافت می شود اما در پارک ها مهمی چون انگدره و ناهارخوران گرگان ورودی دریافت نمی شود در حالی که گرفتن ورودی در پارک های جنگلی گیلان و مازندران یا مشهد امری عادی است.



خوبی با سرمایه گذاران جدید برگزار کردیم و به بهبود وضعیت گردشگری و اقامتی در پارک ها امیدواریم. وی با گله از اینکه هنوز برخی از مردم هنگام حضور در پارک های جنگلی اقدام به ریختن زباله، آوردن خودرو و آتش روشن کردن می کنند، افزود: باید به این نکته توجه داشت که پارک های جنگلی ویرتین منابع طبیعی و جنگل ها و اراضی ملی هستند. وی با تاکید بر اینکه ورود خودرو و روشن کردن آتش در پارک جنگلی انگدره

جنگلی منابع طبیعی گلستان، اولویت را در پارک های جنگلی استان حفاظت دانست و بیان کرد: در مرحله نخست به حفاظت از درختان و منابع ملی فکر می کنیم و بعد وارد مرحله گردشگری می شویم. مقسم افزود: استان گلستان در زیرساخت های اقامتی در پارک های جنگلی ضعیف است و مانند استان های غربی سرمایه گذار برای اجرای پروژه های گردشگری در پارک های جنگلی ندارد اما با توجه به پیگیری استاندار و دادگستری نشست های

رئیس اداره جنگل کاری، پارک ها و ذخیره گاه های جنگلی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: این استان ۲۱ پارک و تفرجگاه جنگلی به وسعت هشت هزار هکتار دارد که در کنار جذابیت های فراوان، با چالش هایی از جمله چگونگی دریافت ورودی، ریختن زباله و رغبت اندک سرمایه گذار برای ایجاد زیرساخت های گردشگری و اقامتی مواجه است. به گزارش روابط عمومی، عبدالرسول مقسم اظهار کرد: از مجموع ۲۱ پارک و تفرجگاه جنگلی گلستان، مدیریت مشروط ۱۵ پارک به بخش خصوصی و شهرداری ها واگذار شده به نحوی که مالکیت با منابع طبیعی است اما مدیریت به آنها واگذار شده و برای ۶ پارک باقی مانده شامل هزار پیچ گرگان، باغو بندرگز، آلمانگل گنبدکاووس، امام رضا(ع) کردکوی، تاشته رامیان و خدرعلیا کلاله هم به دنبال سرمایه گذار هستیم. به گفته وی، با توجه به ظرفیت گلستان، ۱۰ نقطه جدید برای تبدیل به پارک های جنگلی در استان پیشنهاد شده و در مرحله انجام کارهای مقدماتی و تهیه طرح و کارهای مطالعاتی قرار دارد. وی با اشاره به اینکه گلستان شاخص های طبیعی زیادی دارد اما هنوز نتوانستیم گردشگر را در استان نگه داریم و بیشتر مسافران گذری هستند، تصریح کرد: در چند سال اخیر با کمک استاندار، مسوولان قضایی و دفتر جنگل کاری و پارک های سازمان، به روزرسانی پارک های جنگلی استان در موضوعات اقامتی و گردشگری در دستور کار قرار گرفته است. رئیس اداره جنگل کاری، پارک ها و ذخیره گاه های

۲۲ هزار دانش آموز

چشم انتظار یاری خیران

قائم مقام کمیته امداد گلستان با اشاره به آغاز جشن عاطفه ها از اول شهریور ماه جاری گفت: ۲۲ هزار دانش آموز در استان تحت حمایت این نهاد قرار دارند و برای تامین بسته های تحصیلی ۱۲ هزار نفر از آنان، چشم امید به مشارکت خیران، حامیان و مردم نیکوکار گلستان دوخته شده است. به گزارش روابط عمومی، جعفر مزیدی اظهار کرد: جشن عاطفه ها از اول شهریور ماه با شعار «آینده ساز باشیم» آغاز شده و هدف از اجرای این طرح، تامین بخشی از نیازهای تحصیلی دانش آموزان تحت حمایت کمیته امداد است. وی افزود: در اوایل شهریور ماه ۱۰ هزار بسته

تحصیلی با حضور قائم مقام کمیته امداد کشور تهیه شد و در اختیار دانش آموزان تحت حمایت استان قرار گرفت. قائم مقام کمیته امداد گلستان بیان کرد: در مجموع ۲۲ هزار دانش آموز تحت حمایت این نهاد هستند که برای تامین بسته های تحصیلی ۱۲ هزار دانش آموز باقی مانده، اقدامات لازم در حال انجام است و امیدواریم این بسته ها تا پیش از آغاز سال تحصیلی با مشارکت خیران و نیکوکاران تامین و به دانش آموزان تحویل شود. مزیدی ادامه داد: خیران، مودیان زکات، حامیان طرح اکرام، مراکز نیکوکاری و آموزش و پرورش از جمله مجموعه هایی هستند که در تامین نیازهای تحصیلی دانش آموزان تحت حمایت کمیته امداد مشارکت دارند و همراهی آنان می تواند زمینه آغاز سال تحصیلی بدون دغدغه برای این دانش آموزان را فراهم کند. وی با بیان اینکه زنگ نمادین جشن عاطفه ها نیز در هفته نخست مهر ماه با همکاری آموزش و پرورش استان نواخته خواهد شد، یادآور شد: ۲۶ شهریور ماه نیز پایگاه های این نهاد در میادین شهرهای استان مستقر می شوند تا مردم و خیران کمک های خود را برای تامین نیازهای تحصیلی دانش آموزان اهدا کنند. قائم مقام کمیته امداد گلستان اضافه کرد: کارکنان کمیته امداد گلستان همچنین روز ۲۷ شهریور ماه در مصلی های نماز جمعه استان حضور خواهند داشت و کمک های مردم نیکوکار را برای جشن عاطفه ها جمع آوری می کنند. مزیدی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مشکلات مددجویان برای تامین ودیعه مسکن تاکید کرد: افزایش قیمت مسکن و اجاره ها، تامین ودیعه مسکن را به یکی از دغدغه های جدی خانواده های تحت حمایت تبدیل کرده و

کمیته امداد برای کاهش این فشار، افزایش قابل توجه اعتبارات این بخش را در دستور کار قرار داده است. وی گفت: سال گذشته ۴۲ میلیارد تومان تسهیلات ودیعه مسکن به مددجویان گلستان پرداخت شد اما امسال با ابلاغ ۱۷۰ میلیارد تومان اعتبار در مرداد ماه، میزان تسهیلات اختصاص یافته به این بخش بیش از چهار برابر افزایش یافته است. قائم مقام کمیته امداد گلستان افزود: سال گذشته ۴۹۰ خانوار مددجوی گلستان با همکاری و مساعدت بانک های عامل از تسهیلات ودیعه مسکن بهره مند شدند و طی یک ماه گذشته نیز ۳۰ میلیارد تومان از این تسهیلات به ۱۸۰ خانوار تحت حمایت پرداخت شده است. مزیدی بیان کرد: سقف تسهیلات ودیعه مسکن مددجویان نیز امسال نسبت به سال گذشته ۲ برابر شده و از ۱۰۰ میلیون تومان به ۲۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. وی ادامه داد: این تسهیلات به صورت قرض الحسنه و با دوره بازپرداخت ۱۰ ساله پرداخت می شود و کل اعتبار ۱۷۰ میلیارد تومانی استان نیز کارسازی و برای پرداخت به بانک های عامل معرفی شده است. قائم مقام کمیته امداد گلستان خاطر نشان کرد: با توجه به فرآیندهای بانکی، تلاش می کنیم باقی مانده اعتبار در کوتاه ترین زمان ممکن جذب و در اختیار مددجویان واجد شرایط قرار گیرد تا بخشی از دغدغه خانواده های تحت حمایت برای تامین مسکن و پرداخت اجاره ها کاهش یابد. مزیدی از همکاری بانک های عامل در پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن قدر دانی کرد و گفت: تسریع در پرداخت باقی مانده این تسهیلات می تواند به کاهش مشکلات و مراجعات مددجویان کمک کند.

۶۰۰ هزار متر مکعب آب در بندهای خاکی گنبد کاووس ذخیره شد



رییس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری گنبد کاووس از وجود ۴۸ بندسار و بند خاکی در شهرستان خبر داد و گفت: بر اثر بارندگی های روزهای دوشنبه و سه شنبه هفته جاری ۶۰۰ هزار متر مکعب آب در سه بند خاکی اوچقویی، کال ماسال و دره اسماعیل خیر خواجه ذخیره شد. به گزارش روابط عمومی، فرشید رحمانی با تاکید بر اهمیت ذخیره آب در پشت بندهای خاکی برای مردم بومی منطقه، اظهار کرد: دامداران بیشترین بهره برداران این آب هستند و علاوه بر آن شاهد رویش پوشش گیاهی و میکرو کلیما در پشت این بندهای خاکی هستیم. وی مهمترین هدف از ایجاد بندهای خاکی را جلوگیری از فرسایش خاک، کمک به مدیریت سیلاب و کاهش اثرات تخریبی آنها بر شمرد و گفت: آب های جمع آوری شده در بندسارها و بندهای خاکی، باعث افزایش تولید علوفه، جلوگیری از فرسایش خاک، مهار روان آب ها و تغذیه سفرهای آب زیرزمینی در منطقه می شود. رحمانی با اشاره به اینکه بارندگی های اخیر موجب افزایش شادابی بوته کاری های سنواتی در منطقه کردند گنبد کاووس شد، افزود: در بازدید انجام شده از بوته کاری های سنواتی منابع طبیعی و آبخیزداری در این منطقه، وضعیت پوشش گیاهی و میزان شادابی بوته ها

مورد بررسی قرار گرفت. رییس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری گنبد کاووس ادامه داد: این بوته کاری ها در سه عرصه شامل ۲ قطعه ۱۳۰ هکتاری و یک قطعه هشت هکتاری اجرا شد و بارندگی های اخیر با تامین بخشی از

کرده و موجب شده نیاز به آبیاری در برخی عرصه ها کاهش یابد با این حال پایش مستمر وضعیت رطوبت خاک و شادابی بوته ها همچنان در دستور کار قرار دارد. وی خاطر نشان کرد: تداوم مراقبت و تامین آب مورد نیاز بوته ها در دوره های کم بارش، نقش مهمی در حفظ و تقویت پوشش گیاهی این عرصه ها دارد. به گزارش ایرنا، گنبد کاووس بیش از ۵۰۰ هزار هکتار عرصه دارد که ۳۴۱ هزار هکتار آن معادل ۶۲.۵ درصد به عنوان عرصه منابع ملی شناخته می شود و هر ساله بخشی از منابع اعتباری حوزه احیا و اصلاح مراتع استان گلستان به این شهرستان اختصاص می یابد. مدیریت سیلاب، جلوگیری از فرسایش خاک، افزایش نفوذ آب در خاک و تغذیه آبخوان ها، حفظ منظر و تنوع زیستی اکوسیستم حوزه، کاهش خسارات مالی و جانی به جوامع پایین دست، توانمندسازی جوامع محلی و افزایش معیشت خانوارهای روستایی، کاهش وابستگی به منابع طبیعی و افزایش تولید در واحد سطح اراضی و بهره برداری بهینه از حوزه آبخیز بر اساس توان و ظرفیت در راستای توسعه پایدار از مهمترین اهداف اجرای پروژه های آبخیزداری است.

نیاز آبی بوته ها، تأثیر قابل توجهی در افزایش شادابی و بهبود وضعیت پوشش گیاهی این عرصه ها داشته است. رحمانی بیان کرد: بارش های مناسب در مقطع زمانی کنونی فرصت خوبی برای تقویت وضعیت بوته ها ایجاد

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت آب و فاضلاب استان گلستان در نظر دارد

مهلت تسلیم پیشنهادها: تا ساعت ۱۹ بعد از ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸

- فیزیک پاکت الف پس از بازگزاری در سامانه ستاد، در مهلت تعیین شده و لاک و مهر شده به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب گلستان تحویل داده شود.

نشانی کارفرما: استان گلستان، گرگان، میدان بسیج، سایت اداری، شرکت آب و فاضلاب استان گلستان

- به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط، مخدوش و پیشنهادهای که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

- رتبه ۵ آب الزامی می باشد.

شناسه آگهی ۲۲۷۳۶۳۶

مناقصه عمومی یک مرحله ای پروژه های مشروح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه در ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می باشد.

ردیف	موضوع فراخوان مناقصه	مهلت دریافت اسناد	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	زمان بازگشایی پاکت	ساعت بازگشایی	دستگاه نظارت
۱	عملیات اجرای احداث مخزن ۳۰۰ متر مکعبی بتنی زرمینی و ستای نامن (مطابق اسناد)	۱۴۰۵/۰۶/۱۸	۳۷/۴۶۳/۸۱۲/۸۳۶	۱/۸۷۳/۱۹۰/۶۴۲	یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۹	۸ صبح	معاونت فنی و مهندسی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت آب و فاضلاب استان گلستان در نظر دارد

مهلت تسلیم پیشنهادها: تا ساعت ۱۹ بعد از ظهر روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

- فیزیک پاکت الف پس از بازگزاری در سامانه ستاد، در مهلت تعیین شده و لاک و مهر شده به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب گلستان تحویل داده شود.

نشانی کارفرما: استان گلستان، گرگان، میدان بسیج، سایت اداری، شرکت آب و فاضلاب استان گلستان

- به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهای که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

- رتبه ۵ آب الزامی می باشد.

شناسه آگهی ۲۲۷۳۶۳۴

مناقصه عمومی یک مرحله ای پروژه های مشروح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه در ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ می باشد.

ردیف	موضوع فراخوان مناقصه	مهلت دریافت اسناد	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	زمان بازگشایی پاکت	ساعت بازگشایی	دستگاه نظارت
۱	عملیات اجرای اصلاح خط انتقال آب ورودی مخزن ۲۵۰۰ متر مکعبی قدیم بندر نرگین (مطابق اسناد)	۱۴۰۵/۰۶/۱۹	۴۵/۰۶۱/۲۹۶/۴۸۹	۲/۲۵۳/۰۶۴/۸۲۴	سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۱	۸ صبح	معاونت فنی و مهندسی

زنبورداری جاذبه کم هزینه و پر درآمد



حرکت از تولید سنتی و فروش فله‌ای به سمت زنبورداری حرفه‌ای، افزایش تولید، فرآوری، بسته‌بندی، برندسازی و توسعه بازار از اولویت‌های مهم است. وی تاکید کرد: حمایت بیشتر از زنبورداران از طریق ارایه تسهیلات، بیمه، آموزش، تامین نهاده‌ها و تجهیزات و همچنین تسهیل دسترسی آنان به بازار فروش از جمله اقداماتی است که می‌تواند به تحقق اهداف توسعه‌ای این حوزه در استان کمک کند. نظری با اشاره به ایجاد و تقویت صنایع تبدیلی برای توسعه صنعت زنبورداری گلستان، افزود: عسل تولیدی استان علاوه بر مصرف مستقیم، قابلیت فرآوری، بسته‌بندی استاندارد و عرضه در قالب برندهای معتبر را دارد و می‌تواند ارزش افزوده بیشتری ایجاد کرده و درآمد زنبورداران را افزایش دهد. معاون بهبود تولیدات دامی جهادکشاورزی گلستان گفت: ایجاد یک نشان تجاری معتبر برای عسل استان، در صورت فراهم شدن زیرساخت‌های لازم و مشارکت تشکلات و تولیدکنندگان، می‌تواند به معرفی ظرفیت‌های زنبورداری استان گلستان در بازارهای ملی و در ادامه بازارهای صادراتی کمک کند. نظری ادامه داد: فعالیت در حوزه صادرات عسل و فرآورده های آن نیز، نخستین گام، تولید عسل باکیفیت و استاندارد، شناسنامه‌دار کردن محصول، ایجاد برند معتبر، توسعه بسته‌بندی و رعایت الزامات بازارهای هدف است که با فراهم شدن این زیرساخت‌ها، عسل تولیدی استان گلستان می‌تواند ظرفیت حضور بیشتری در بازارهای ملی و صادراتی داشته باشد. وی همچنین آموزش زنبورداران را یکی از ارکان اصلی افزایش بهره‌وری این صنعت برشمرد و گفت: آموزش در زمینه مدیریت کلنی، تغذیه، کنترل بیماری‌ها و آفات، اصلاح نژاد، کوچ اصولی، برداشت و نگهداری صحیح عسل و رعایت استانداردهای تولید به‌صورت مستمر دنبال می‌شود. معاون بهبود تولیدات دامی جهادکشاورزی گلستان تاکید کرد: شناسایی و تقویت منابع شهد و گرده، بررسی اثر تغییرات اقلیمی بر زنبورستان‌ها، اصلاح نژاد متناسب با شرایط اقلیمی استان و ارتقای روش‌های مدیریت کلنی از نیازهای پژوهشی مهم صنعت زنبورداری گلستان است. وی ادامه داد: استفاده از فناوری‌های نوین، ثبت اطلاعات زنبورستان‌ها، پایش سلامت کلنی‌ها و استفاده از تجهیزات مدرن می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری کمک کند.

هزینه‌های تولید اعلام کرد و گفت: هزینه تغذیه کمکی، شکر، دارو، تجهیزات، حمل‌ونقل و کوچ زنبورستان‌ها بر سودآوری این حرفه تاثیر مستقیم دارد و از سوی دیگر تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی، خشکسالی، تغییر زمان گل‌دهی گیاهان و کاهش یا پراکندگی منابع شهد و گرده می‌تواند بر میزان تولید و سلامت کلنی‌ها تاثیرگذار باشد. این کارشناس ادامه داد: کنترل بیماری‌ها و آفات نیز از موضوعات مهم این بخش است و پایش مستمر زنبورستان‌ها، آموزش زنبورداران، رعایت اصول بهداشتی و استفاده صحیح و به‌موقع از داروهای مورد تایید، نقش مهمی در کاهش خسارت دارد. وی خاطرنشان کرد: در کنار این موارد، بیمه زنبورداران، دسترسی به تسهیلات بانکی، تامین سرمایه در گردش و هزینه‌های بالای تجهیز و نوسازی زنبورستان‌ها از جمله دغدغه‌های فعالان این بخش به شمار می‌رود. معاون بهبود تولیدات دامی جهادکشاورزی گلستان نیز با اشاره به ظرفیت سرمایه‌گذاری در صنعت زنبورداری استان، گفت: در چارچوب برنامه هفتم توسعه، رویکرد بخش کشاورزی استان افزایش بهره‌وری، استفاده بهینه از منابع، توسعه زنجیره ارزش، افزایش ارزش افزوده محصولات و حمایت از تولیدکنندگان از جمله زنبورداری است. رضا نظری اظهار کرد: در حوزه زنبورداری استان

باغات و برخی محصولات زراعی و باغی، به افزایش تشکیل میوه، بهبود کیفیت محصول و افزایش عملکرد کمک می‌کند و همچنین ارزش اقتصادی زنبور عسل بسیار فراتر از ارزش عسل تولیدی است. معاون امور طیور جهادکشاورزی گلستان با اشاره به این که باید به زنبور عسل علاوه بر تولیدکننده عسل، به عنوان یکی از عوامل موثر در افزایش تولیدات کشاورزی و تقویت امنیت غذایی نگاه شود، گفت: صنعت زنبورداری استان به دلیل برخورداری از تنوع اقلیمی، مراتع، باغات، اراضی کشاورزی و پوشش گیاهی مناسب، از ظرفیت‌های مهم بخش کشاورزی استان محسوب می‌شود. سحر کریمی اظهار کرد: وضعیت فعلی صنعت زنبورداری گلستان مطلوب است اما توسعه بیشتر آن به افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، توسعه صنایع تبدیلی و ایجاد بازارهای جدید برای محصولات زنبورداری نیاز دارد. وی ادامه داد: اکنون ۲ هزار و ۵۱۴ زنبورستان دارای ۱۴۷ هزار و ۴۴۶ کلنی فعال در استان وجود دارد که ۱۴۳ هزار و ۳۱۵ کلنی مدرن و بقیه سنتی هستند که از این تعداد حدود هزار و ۱۹۹ تن عسل برداشت می‌شود که این مقدار در سال‌های اخیر با رشد محسوس همراه بوده است. معاون امور طیور جهادکشاورزی گلستان یکی از مهم‌ترین مشکلات زنبورداران را افزایش

تنوع اقلیمی و پوشش گیاهی مطلوب و همیشگی در کنار خاصیت بالای محصول تولیدی، یکی از جاذبه‌ها و ظرفیت‌های پرورش زنبور عسل در گلستان به شمار می‌رود که تکیه بر این قابلیت‌ها، زنبورداری را از گذشته تاکنون به یکی از فعالیت‌های روستاییان استان تبدیل کرده و با توجه به توانایی درآمذایی فراوان، توجه به این صنعت در حال افزایش است. به گزارش ایرنا، استقرار کندوهای زنبور عسل در گوشه و کنار خانه و باغ مزارع، تصویری آشنا از زندگی روزمره روستاییان گلستان است که به فراخور موقعیت و فراغت کار، تعداد و نحوه فعالیت در این صنعت پولساز با یکدیگر متفاوت است. ظرفیت تولید میانگین ۱۰ کیلوگرم عسل از هر کندو در هر فصل برداشت چند ماهه در کنار افزایش مستمر کلنی‌ها در صورت فراهم بودن شرایط مساعد نگهداری و مراقبت، زنبورداری را به یکی از کارهای مورد علاقه روستاییان گلستان تبدیلی کرده که ظرفیت درآمذایی فراوان در کنار امکان فعالیت همزمان در بخش دیگر کشاورزی به دلیل نیاز کم زنبور به مراقبت همیشگی، امکان گسترش زنبورداری از چند کلنی محدود به فعالیت غالب کشاورزی را فراهم کرده است. بر اساس اعلام جهادکشاورزی گلستان، ۲ هزار و ۵۱۴ زنبورستان با ۱۴۷ هزار و ۴۴۶ کلنی در این استان فعال است که توسعه فعالیت زنبورداری در گلستان با سرمایه‌گذاری و حمایت از زنبورداران، کاهش هزینه‌های تولید، توسعه آموزش و فناوری، تقویت بیمه و تسهیلات، توسعه صنایع تبدیلی و جلوگیری از فروش فله‌ای امکان‌پذیر است. شهرستان‌های استان گلستان، ظرفیت متفاوتی برای سرمایه‌گذاری در حوزه زنبورداری دارند که علی‌آبادکتول، آزادشهر، رامیان، مینودشت، گالیکش، کلالة، مراوه‌تپه، گنبدکاووس و گرگان از جمله مناطق دارای ظرفیت مناسب برای فعالیت زنبورداری در استان به شمار می‌روند. همچنین وجود هفت اقلیم از ۱۳ اقلیم آب و هوایی دنیا، نواحی جنگلی هیرکانی و کوهستانی، ۶۵۰ هزار هکتار کشتزار محصولات مختلف، باغ‌های میوه، گل و گیاهان دارویی در استان گلستان، امکان استقرار و کوچ زنبورستان‌ها را دوچندان کرده است. به گفته کارشناسان و محققان مرکز تحقیقات جهادکشاورزی گلستان، این صنعت علاوه بر تولید عسل، موم، گرده گل، برهموم و سایر فرآورده‌های زنبور عسل، از لحاظ خدمات گرده‌افشانی نیز اهمیت بسیار زیادی دارد به گونه‌ای که زنبور عسل با گرده‌افشانی

سربازان اقتصادی در عرصه سازندگی

نقش آفرینند

استاندار گلستان با قدردانی از فعالان اقتصادی در استان، گفت: همان گونه که رزمندگان در حوزه نظامی خوش درخشیدند سربازان اقتصادی با وجود شرایط سخت کشور در عرصه تولید و سازندگی به زیبایی ایفاگر نقش خود هستند.

آگهی‌ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۲ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۷۶۶ تقاضای آقای ابوالفضل صالحی مهر به شماره شناسنامه ۳۱۶ و کلملی ۲۲۴۹۸۸۰۰۷۷ فرزند حبیبعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که ۳ سهم مشاع از ۲۱ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۲۰۲.۱۷ مترمربع از پلاک شماره ۲۲۷- اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و

پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذصلاح قضائی تقدیم نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۶.۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۷.۰۶
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۲۷۵۵۲۲

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و

ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۳۲۲۵ تقاضای آقای رضا منقوش به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۲۴۰۵۱۱۴۵ فرزند پرویز در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۹۸.۴۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۴۹۲- اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۶.۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۷.۰۶
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۲۷۵۵۲۲۶

تعاون کلید عبور از خام فروشی و بیکاری

آموزش، مشاوره، فرآوری و توسعه زنجیره ارزش دنبال شود. در همین چارچوب تاکید مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان بر ضرورت اختصاص خط اعتباری ویژه برای تعاونی‌ها و همچنین ابلاغ سهم حداقل ۲۵ درصدی اعتبارات دستگاه‌های اجرایی به سمت تعاونی‌ها است. هلاکو متذکر شد: باید یک خط اعتباری ویژه برای حمایت از تعاونی‌ها در بودجه سالانه کشور در نظر گرفته شود و در سال گذشته نیز در جلسه شورای برنامه‌ریزی استان با تاکید استاندار به همه دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد که سهم اعتباری خود را حداقل ۲۵ درصد به سمت تعاونی‌ها سوق دهند.

صادرات ۳۴ میلیون دلاری ظرفیت قابل توجه تعاونی‌های گلستان

در بخش توسعه تجارت نیز عملکرد صادراتی تعاونی‌های گلستان نشان می‌دهد بخشی از این مجموعه‌ها توان عبور از بازار محلی را پیدا کردند. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان گفت: ۴۵ تعاونی استان سال گذشته در مجموع ۳۴ میلیون دلار صادرات داشتند. به گفته وی؛ گلستان جزو پنج استان برتر کشور در صادرات است و صادرات تعاونی‌ها تا پایان مرداد امسال نیز حدود ۹ میلیون دلار بوده و بازارهایی در آسیای میانه، حوزه خلیج فارس و اروپا را هدف قرار داده است. این آمار نشان می‌دهد که تعاونی‌های گلستان فقط برای تامین بازار محلی ایجاد نشدند و در صورت برخورداری از حمایت درست، می‌توانند به بازیگران بازار صادراتی نیز تبدیل شوند اما چالش اصلی این است که این تجربه از چند تعاونی موفق به یک جریان گسترده در بخش تعاون استان تبدیل شود. تنور گازی، فرآورده‌های خشک، کیف، گبه و فرش، صنایع دستی، محصولات چوبی، میگو، نئوپان، ظروف چوبی و محصولات پلاستیکی از جمله کالاهای صادراتی اعلام شده هستند. هلاکو با اشاره به ظرفیت‌های بی‌ظنیر روستاها در اقلیم گلستان بیان کرد: نگاه ما صرفاً افزایش عددی ثبت تعاونی‌ها نیست بلکه رویکرد جدید ما تشکیل تعاونی‌های روستایی پایدار و بزرگ‌مقیاس (با حداقل ۱۰۰ عضو یا فراگیری کل اهالی یک روستا) است تا بتوان تعاونی‌ها را از نخستین روز ثبت، وارد مدار تولید، اشتغال و درآمدزایی واقعی کرد. وی همچنین گفت: با پیگیری‌ها و ارزیابی‌های دقیق انجام شده، برای نخستین بار چهار شرکت تعاونی به نام‌های فرآورده‌های لبنی بشارت آشوراده، تعاونی مسکن سازه گستران گرگان دژ، تعاونی عمرانی شایابین گلستان و تعاونی زرین آرشیا از استان گلستان موفق به کسب عنوان تعاونی برتر ملی شدند و در سطح کشور از آنها تجلیل به عمل آمد. استان گلستان که دارای ظرفیت بالای کشاورزی، دریا، مرز، گردشگری و منابع انسانی است همچنان در شاخص‌هایی مانند رشد اقتصادی، سرانه تولید و اشتغال جوانان با میانگین کشور فاصله دارد. از یک سو کشاورزی بیش از یک‌سوم اقتصاد استان را تشکیل می‌دهد اما ارزش افزوده آن متناسب با حجم تولید نیست از سوی دیگر، نرخ اشتغال روستایی بالا است اما سهم قابل توجهی از این اشتغال ناقص را فصلی است در چنین شرایطی تعاون می‌تواند با تجمع سرمایه‌های خرد، افزایش قدرت چانه‌زنی تولیدکنندگان، تکمیل زنجیره ارزش و حضور مردم در فرآیند سرمایه‌گذاری این چرخه باطل را بشکند.



گلستان در تولید محصولاتمانند سویا و آفتابگردان رتبه نخست کشور را دارد و در تولید گندم نیز در جمع استان‌های برتر قرار گرفته و در آبروی پروری و تولید گوشت سفید نیز از ظرفیت‌های مهم کشور برخوردار است

می‌توانند ارزش افزوده بیشتری برای خانوارهای روستایی ایجاد کنند.

۱۰ درصد اقتصاد گلستان در اختیار تعاون

بر اساس اعلام مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان، حدود ۱۰ درصد اقتصاد استان در اختیار بخش تعاون است. هلاکو با بیان اینکه گلستان یکی از استان‌های پیشرو در حوزه فعالیت‌های تعاونی است و حدود ۱۰ درصد اقتصاد استان در اختیار تعاونی‌ها قرار دارد، تاکید کرد: تعاونی‌های مرزنشینان استان حدود یک دهه فعالیت آنچنانی نداشتند اما با اقدامات انجام شده از سال گذشته تاکنون توانستیم چهار تعاونی را در حوزه مرزنشینان فعال کنیم و از مجموع ۱۳ تعاونی موجود، مجامع تعاونی‌های دیگر نیز در حال برگزاری است و آنها نیز فعال خواهند شد. وی مسیر ریلی اینچهره‌برون و دسترسی به کشورهای آسیای میانه را از ظرفیت‌های مهم گلستان برای توسعه تجارت دانست و افزود: فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین در سال ۱۴۰۵ می‌تواند زمینه استفاده بیشتر از ظرفیت‌های صادراتی و وارداتی، ایجاد اشتغال و بهبود معیشت خانوارهای نوار مرزی را فراهم کند. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از پرداخت حدود ۳۴۵ میلیارد تومان تسهیلات به تعاونی‌های استان در سال ۱۴۰۴ خبر داد و توضیح داد: همچنین حدود ۴۷ میلیارد تومان از محل تفاهم‌نامه سه‌جانبه میان وزارت تعاون، بانک توسعه تعاون و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون جذب شده است. در سال ۱۴۰۵ نیز تاکنون حدود ۱۲۵ میلیارد تومان تسهیلات به تعاونی‌های استان پرداخت شده است. کارشناسان اعتقاد دارند اگر سرمایه به تعاونی‌ای برسد که بازار مشخص، برنامه تولید و زنجیره فروش ندارد تسهیلات به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده بقای آن باشد بنابراین سیاست اعتباری باید همزمان با سیاست بازاریارسانی،

و فروش شکل بگیرد. اینجا همان نقطه‌ای است که تعاون می‌تواند نقش خود را نشان دهد و کشاورز خرد به جای ایستادن تنها در برابر بازار در قالب یک تشکل اقتصادی به خرید نهاده، تولید، فرآوری، بسته‌بندی و فروش دسترسی پیدا می‌کند و قدرت چانه‌زنی بیشتری به دست می‌آورد. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان با تاکید بر اینکه بخش تعاون بهترین بستر برای توزیع عادلانه ثروت، ایجاد اشتغال مولد، ارتقای درآمد خانوارها و مهار تورم است، اظهار کرد: رویکرد ما بومی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی متناسب با زیست‌بوم، اقلیم و ظرفیت‌های منطقه‌ای استان گلستان است. ایوب هلاکو تاکید کرد: در حال حاضر بیش از سه هزار و ۲۶۵ تعاونی فعال در استان گلستان مشغول به فعالیت هستند که بخش کشاورزی با حدود ۳۰ درصد و بخش خدمات با ۲۶ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص دادند که در مجموع این تعاونی‌ها توانستند ۳۸ هزار و ۸۴۹ شغل مستقیم در استان ایجاد کنند. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان از فعال شدن چهار تعاونی مرزنشینان در گلستان خبر داد و افزود: برای این تعاونی‌ها حدود ۱۴ هزار کارت مرزی صادر شده است. به گفته هلاکو؛ در مناطق محروم امکان مرادوات تجاری تا سقف ۹۰۰ دلار برای هر فرد وجود دارد و این ظرفیت می‌تواند به فعالیت اقتصادی خانوارهای مرزنشین کمک کند. در گمیشان و بندر ترکمن، صیادی و میگو ظرفیت طبیعی توسعه تعاونی‌ها است و در شرق استان، زعفران و گیاهان دارویی می‌توانند به جای فعالیت‌های پراکنده در قالب زنجیره‌های اقتصادی شکل بگیرند. وی از آغاز فعالیت تعاونی زعفران در مناطق مینودشت، گالیکش و رامیان و همچنین ظرفیت پسته وحشی و گیاهان دارویی در شرق استان سخن گفت و تاکید کرد: اگر این ظرفیت‌ها از مرحله تولید خام عبور کنند،

گرچه گلستان قطب تولید محصولات متنوع کشاورزی در کشور محسوب می‌شود اما فقدان صنایع تبدیلی و حضور پررنگ خام‌فروشی، مانع از بهره‌مندی تولیدکنندگان از ارزش افزوده واقعی شده که در این شرایط کارشناسان معتقدند گذار از این وضعیت و ایجاد توازن در زنجیره تولید تا بازار، مستلزم تغییر رویکرد و تقویت ساختار تعاونی‌هاست که می‌تواند زمینه‌ساز پایداری اقتصادی در این منطقه باشد. به گزارش ایرنا، استان گلستان با برخورداری از بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت و حدود ۴۰ درصد جمعیت روستایی از استان‌هایی است که اقتصاد روستا در آن نقش پررنگی در زندگی و معیشت مردم دارد و اگر این ظرفیت در قالب تعاونی‌های توانمند سازماندهی شود، می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر مردم در اقتصاد، ایجاد اشتغال پایدار و رونق تولید را فراهم کند. تنوع اقلیمی و جغرافیایی گلستان نیز دست این استان را برای شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی متنوع باز گذاشته از کشاورزی و دامداری و صنایع غذایی گرفته تا شیلات، آبروی پروری، صنایع دستی، گردشگری و محصولات خاصی مانند زعفران و گیاهان دارویی همه و همه از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند اقتصاد گلستان را شکوفا کند با این حال چالش‌هایی همچون خام‌فروشی، ضعف در صنایع تبدیلی و شکاف بین تولید تا بازار مانع از تبدیل این ظرفیت‌های بالقوه به ارزش افزوده و درآمد پایدار شده است. در چنین شرایطی فعالان اقتصادی و کارشناسان معتقدند توسعه و توانمندسازی تعاونی‌ها کلید اصلی برون‌رفت استان از این وضعیت و دستیابی به درآمدهای پایدار است. اهمیت این موضوع از این جهت است که تعاونی‌ها می‌توانند با تجمع سرمایه‌های خرد، نیروی کار و توان تولیدی افراد، فاصله میان تولیدکننده و بازار را کاهش داده و بخشی از ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی را نصیب خود مردم کنند. این نقش به‌ویژه در مناطق روستایی اهمیت بیشتری دارد و اگر فعالیت‌های پراکنده اقتصادی به صورت فردی دنبال شوند معمولاً قدرت کافی برای ورود به بازار، تامین منابع مالی و توسعه زنجیره تولید ندارند اما تعاونی‌ها می‌توانند این ظرفیت‌های پراکنده را در کنار یکدیگر قرار دهند و از دل آن، کسب و کارهای جمعی و اشتغال پایدار شکل بگیرد و در نهایت بستری را فراهم کند تا به تقویت درآمد خانوارها و کاهش برخی آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری و نبود فرصت‌های اقتصادی منجر شود. شاید مهمترین دلیل ضرورت توجه به تعاون در گلستان ساختار اقتصاد استان باشد بیش از ۳۳.۵ درصد اقتصاد گلستان به کشاورزی وابسته است. گلستان در تولید محصولاتی مانند سویا و آفتابگردان رتبه نخست کشور را دارد و در تولید گندم نیز در جمع استان‌های برتر قرار گرفته و در آبروی پروری و تولید گوشت سفید نیز از ظرفیت‌های مهم کشور برخوردار است اما از آنجا که ظرفیت‌های گلستان پشت دیوار خام‌فروشی گرفتار شده تولید بالا نتوانسته درآمد خوب و پایدار را برای گلستانی‌ها رقم بزند. از سویی دیگر ساختار سنتی تولید، اشتغال فصلی و پایین بودن ارزش افزوده محصولات باعث شده بخشی از این ظرفیت در مرحله تولید متوقف بماند و سود اصلی در حلقه‌های بعدی زنجیره، یعنی فرآوری، بسته‌بندی، بازاریابی